

علیه احکام قرون وسطایی خواهیم ایستاد!

حزب کمونیست کارگری حکمتیت (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com



طوفان درو خواهید کرد!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist

hekmatist.com

پس از احکام سنگین و قرون وسطایی شلاق علیه دستگیر شدگان اول ماه مه، فعالین جنبش برابری زن، امروز نوبت نمایندگان کارگران هفت تپه و حامیان آنان بود که در نمایش مضحک و تهوع آوری به نام "دادگاه" به جرم دفاع از رفاه و آزادی، دفاع از حرمت کارگر، مقابله با فقر و فلاکت به احکامی چون ۶ تا ۱۸ سال زندان و شلاق محکوم شوند.

ظاهرا قرار است این احکام درس عبرتی برای جامعه و در راس آن نمایندگان کارگران، معلمان، فعالین زن، دانشجویان معترض، سازماندهندگان اعتراضات اجتماعی باشد. قرار است با این احکام به جامعه اعلام کنند هنوز میتوانند سرکوب کنند، قرار است با صدور احکام زندان و شلاق، آنها را پشت درهای بسته، ناتوانی حاکمین از مقابله و خاموش کردن شعله آتشی که برپا شده است، را مخفی کنند. قرار است استیصال و عجز و جبونی حاکمیت از رودرویی با مردمی که برای سرنگونی شان به میدان آمده اند، مقابله با طبقه کارگری که عزم جزم کرده در راس این جنبش آنرا به پیروزی برساند، پنهان شود. پشت این احکام و "دادگاههای صحرایی" نه قدرت رژیم که هراس حاکمیت خوابیده است. سران جمهوری اسلامی بهتر از هر کسی میدانند دیگر با دستگیری و زندانی کردن رهبران و نماینده کارگری نمیتوانند خیز برداشتن کارگران، معلمان، زنان و مردم محروم برای تعیین تکلیف نهایی با حاکمیت را عقب برانند. میدانند امروز توان مقابله با طبقه کارگر و اعتراض معلمان و بازنشستگان و مبارزان سیاسی را ندارند. میدانند به زودی طوفان درو خواهند کرد!

اگر سرکوب و کشتار کمونیستها و مردم آزاده، توانست آتش خشم مردم محروم و طبقه کارگر و آزدیخواهان را علیه رژیم سلطنت و شعله انقلاب را خاموش کند، بگیر و ببند و احکام سنگین، تلاش جبهه برای شکار و مجازات نمایندگان و مدافعین طبقه کارگر، فعالین جنبش کارگری، جنبش برابری زن، معلمان و ... هم میتواند جمهوری اسلامی و دستگاه سرکوب آن را نجات دهد. صدای متحد کارگر فولاد، کارگر هیپکو، هفت تپه، آذراب و صدای یاران اسماعیل بخشی در هفت تپه علیه این احکام وحشیانه و در دفاع از نمایندگان و مدافعین خود را با چنین احکامی نمیتوان ساکت کرد. تنها پیامی که ارتجاع حاکم به جامعه، به طبقه کارگر و مردم محروم میدهد این است که "در توحش ما شک نکنید! جز پیشروی راهی ندارید، عقب نشینی جواب نیست، در دفاع از آزادی، برابری، رفاه و امنیت باید پیروز شوید!"

نباید این احکام سنگین و قرون وسطایی را بی جواب گذاشت. آزادی زندانیان سیاسی، کارگران، معلمان، زنان و همه مبارزین سیاسی محبوب مردم باید به سرلوحه مبارزه طبقه کارگر و جامعه تبدیل شود. باید دستگاه سرکوب رژیم را فلج کرد. باید بساط اینها را با آزادی بی قید و شرط و فوری همه دستگیر شدگان مبارزات برحق کارگری و مردمی، برجید. باید مرتجعین حاکم را از کرده خود پشیمان کرد و با قدرت و تعرض خود در زندانهای جمهوری اسلامی را شکست و زندانیان و اسرای طبقه کارگر را بدست خود آزاد کرد. باید درسی را به رژیم سلطنت و دیکتاتوری آن دادیم اینبار به اینها بدهیم. باید امروز دست به کار شد. فردا دیر است!

زنده باد آزادی، برابری، کارگری

زنده باد انقلاب کارگری

حزب کمونیست کارگری - حکمتیت (خط رسمی)

۱۶ شهریور ۹۸ - ۷ سپتامبر ۲۰۱۹

صفحه ۲

صفحه ۳

ایست!

مردم میخواهند مرفه زندگی کنند!

افول پوپولیسم راست

امان کفا

سه سال پس از فرزاندن در بریتانیا، برگزیت، علیرغم برگزاری یک انتخابات سراسری و تعویض سه نخست وزیر، بحران و کلاف سردرگم ناشی از این همه پرسی، همچنان سراسر این کشور را فراگرفته است.

بوریس جانسون، که با وعده "به سرانجام رساندن خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا" توسط حزب محافظه کار به نخست وزیری رسید، تلاش کرد با توسل به تمامی دوز و کلک ها، بند وبستههای مخفیانه و پشت پرده با نمایندگان مجلس، از سنت های شناخته شده پارلمانی در بریتانیا، سیاست خود مبنی بر خروج از اروپای واحد را به کرسی بنشانند. تلاشی که به سرعت شکست خورد. جانسون اولین نخست وزیری است که قادر نشد هیچک از تصمیمات دولت خود را با رای گیری در پارلمان به نتیجه برساند. حتی تهدید و سپس اخراج نمایندگان حزب محافظه کار در مجلس از حزب، موثر نبود و استعفاها پی در پی وزرای کابینه و بی اعتباری بیشتر دولت، کماکان ادامه دارد.

امروز علیرغم اشغال بودن کرسی نخست وزیری و وزرا و وجود کابینه و ... اما در بریتانیا عملا دولتی موجود نیست!

برگزیت با خود مسائل متعددی که بورژوازی حاکم در بریتانیا و در اروپا، با تشکیل اتحادیه اروپا مختومه اعلام کرده بودند، را مجددا روی میز آورده است. برای مثال، اتحادیه اروپا قرار بود ظرفی بزرگ، با تصویری بین المللی و ساختاری فراکشوری باشد که نزاع های قدیمی بورژوازی کشورهای اروپایی را (نظیر رابطه کاتالان با اسپانیا، ایرلند و ایرلند شمالی با بریتانیا و ...) در خود حل کند. علاوه بر این، قرار بود که تصمیم گیری های هر کشوری در چنین ساختاری، نه در مخالفت پایه ای، بلکه در جهت اجرای محلی تصمیمات مرکزی اتحادیه اروپا به پیش برده شود. برگزیت، اما با اعلام جدایی بریتانیا از اتحادیه اروپا، باری دیگر تمامی این مفروضات مبنی بر پایان کشمکشهای "داخلی" و "اروپایی" را زیر سوال برد. به همین دلیل است که امروز، برگزیت دیگر نه تنها محدود به خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، بلکه به عاملی در از هم پاشیدگی اتحاد درونی بریتانیا، امکان جدایی اسکاتلند و ملتی شدن پایه های صلح در ایرلند شمالی را نیز، بعنوان عوارض برگزیت در سطح جامعه مطرح کرده است.

علاوه بر این برگزیت همراه خود بسیاری از داده های گذشته را به چالش کشیده است. به این اعتبار،

صفحه ۴

آزادی برابری حکومت کارگری

ایست! به کجا چنین شتابان!

هنوز جوهر احکام سراسیمه و شتابان صدسال زندان به کارگران و فعالین حقوق کارگر از طرف قاضی مقیسه، خشک نشد، که موج خشم و اعتراض و نفرت از نظم سرمایه و دولت آن، ایران و جهان را فرا گرفت. کارگران، تشکل های کارگری، معلمان، بازنشستگان، وکلا و زنان و مردان آزادیخواه با صدای رسا به دستگاه سرکوب فرمان "ایست" دادند. حتی از درون حاکمیت، در مجلس و خانه کارگر و ... هم عواقب خطرناک این بیشرمی از سر استیصال برای جمهوری اسلامی را خاطر نشان کردند.

بیست و چهار ساعت بعد، اسماعیلی، سخنگوی قوه قضائیه، این حکم را "غیر قطعی" خواند. اسماعیلی گفت: "به محض صدور رای، ریاست محترم قوه قضائیه دستور داده اند در مرحله تجدید نظر در اسرع وقت رسیدگی عادلانه و منصفانه صورت پذیرد". او اظهار داشت که مجازات های ۱۸ سال صحت نداشته و حداکثر مجازات متهمان ۷ سال است. و سرانجام از قرار منع تعقیب برای ۴۱ کارگر فولاد اهواز خبر داد.

ابراهیم رئیسی، این جنایتکار دهه شصت، احکام مبتنی بر ترس و استیصال دستگاه قضائیش را در متن سالهای سیاه قدرقدرتی رژیم قرار داد و فراموش کرد که امروز در دهه نود ورق برگشته است. دهه نود، دهه انفجار عظیم اجتماعی دیماه ۹۶، سالهای اعتصابات یک ماهه مراکز صنعتی هفت تپه و فولاد در جنوب و امروز روزهای تداوم اعتصاب در هپکو و آذرآب و از سرگیری مجدد اعتصاب کارگران هفت تپه است. فراموش کرده است که دهه نود، دهه اسیدپاشی و شکنجه و تجاوز به دختران مخالف حجاب نیست. دهه دختران خیابان انقلاب و جنبش سراسری زنان و دختران جوان علیه حجاب و قوانین ضد زن جمهوری اسلامی است. روزهایی است که لشکر شکست خورده منکرات در حال فرار از تعرض این جنبش است. دهه نود دهه میداننداری اوباش اسید پاش رژیم نیست، بر عکس دهه "تذکر لسانی دهید و فوری منطقه را ترک کنید!" است.

رئیس با هیاهوی مبارزه با فساد آمد، اما در واقع شمشیر را از رو بسته تا به خیال خود جامعه را با احکام سنگین و دستگیریهای وسیع و تعرض به طبقه کارگر و معلمان و بازنشستگان و زنان مرعوب کند. اما فشار اعتراضات عظیم طبقاتی و اجتماعی و خشم گرسنگان که تا کنون تنها جرقه هایش را زده، به سرعت افسار او را کشیده و تب و تاب سرکوبش را فرو نشانده است.

اکنون ابراهیم رئیسی بدنبال آبروریزی احکام ناشی از سراسیمگی و آشفتگی نظامش، از "رسیدگی عادلانه و منصفانه" حرف می زند. رئیسی، مجلس و رهبران نظامشان صدای کارگر معترض و رادیکال را شنیده اند، لغو عملی حجاب اجباری را دیده اند، خشم گرسنگان دیماه ۹۶ را تجربه کرده اند، همسرنوشتی مبارزاتی و همبستگی طبقاتی کارگران، معلمان، بازنشستگان و زنان را می بینند. شعار رفاه، آزادی و امنیت و تصمیم توده های کارگر و زحمتکش برای دخالت مستقیم در زندگی و اداره امور جامعه از طریق مجامع عمومی و شوراهای کارگری و مردمی را شنیده اند. در این جدال و کشمکش طبقاتی و اجتماعی، احکام سنگین و تهدید شلاق و ایجاد ناامنی، نه تنها کسی را مرعوب نمی کند بلکه با تعرض متقابل جواب می گیرد. جواب قاطع کارگران هفت تپه که "روزی فرا خواهد رسید که با اتحاد و همبستگی، زمین زیر پای صاحبان زر و زور و مدافعان آنان را داغ خواهیم کرد"، از این بیشتر بترسید که ما متوجه ترس و وحشت و دستپاچگی شما شده ایم!"، عقب نشینی مدافعان سرمایه را اجتناب ناپذیر کرده است.

امروز جامعه ایران توازن قوای جدیدی را ترسیم میکند. از طرفی حاکمیتی را نشان می دهد که توانایی اداره اقتصاد و تامین معیشت جامعه را از دست داده است. شمشیر ارباب و سرکوبش زنگ زده و بی خاصیت شده است. حاکمیتی که قدرت حکومت و سرکوب کردن را از دست داده است و از طرف دیگر طبقه کارگر بالنده، متشکل و متحد پا به میدان گذاشته است و همبستگی شجاعانه معلمان و بازنشستگان و جنبش برابری زن را با خود دارد.

جامعه ایران امروز قدم در راهی بدون بازگشت گذاشته است. ما هنوز در نیمه راهی هستیم که تامین معیشت و رفاه و امنیت و آزادی، فوری ترین خواست بی برو برگرد آن است. در انتهای این راه، افق جامعه آزاد و برابر و اداره شورایی و اقتصاد سوسیالیستی قرار دارد. قطار پیشروی راه افتاده است. طبقه کارگر و پیشروانش در هفت تپه و فولاد و هپکو و آذرآب، جنبش معلمان و بازنشستگان و زنان برابری طلب راه را نشان داده اند: راه پیروزی آزادی بر استبداد، برابری بر تبعیض، سوسیالیسم بر کاپیتالیسم، کمونیسم بر توحش نظام بردگی، فرهنگ و اخلاقیات و وجدان طبقاتی کارگر و انسان آزاده و برابر بر توحش افسار گسیخته ی نظام فاسد و گندیده سرمایه و سود و دین و ریا.

طبقه کارگر و مردم آزادیخواه نه تنها احکام ننگین یک قرن زندان، بلکه "رسیدگی عادلانه" و "ترمش قهرمانانه" امثال رئیسی را نمی پذیرند. مردم به چیزی کمتر از آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان کارگر و مدافع حقوق کارگر، فعالین اول مه و هشت مارس و خبرنگاران و آزادیخواهان رضایت نمیدهند.

حزب حکمتیست (خط رسمی) رهبران کارگران و زحمتکشان و معلمان و بازنشستگان و رهایی زن را به اتحادی سراسری برای پیروزی جنبش آزادی و برابری فرا می خواند. جنبشی که اتحاد رهبرانش تنها ضامن پیروزی و پیشروی آن است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)
۱۷ شهریور ۹۸ - ۸ سپتامبر ۲۰۱۹

باید مرتجعین حاکم را از کرده خود پشیمان کرد

احکام سنگین و قرون وسطایی علیه نمایندگان و حامیان طبقه کارگر قرار است استیصال و عجز و جبونی حاکمیت از رودررویی با مردمی که برای سرنگونی شان به میدان آمده اند، مقابله با طبقه کارگری که عزم جزم کرده در راس این جنبش آنرا به پیروزی برساند، پنهان شود.

برای آزادی بی قید و شرط و فوری زندانیان سیاسی، کارگران، معلمان، زنان و همه مبارزین سیاسی، علیه آخرین دست و پا زدندهای دستگاه سرکوب رژیم!

ما همه آزادیخواهان، همه سازمانهای کارگری و مترقی را به اعتراض وسیع علیه تعرض به زندگی و آسایش کارگران و مدافعین آن فرا میخوانیم.

در کنار کارگران هفت تپه، فولاد، هپکو و خواب را بر ارتجاع اسلامی حرام کنیم!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

مردم میخواهند مرفه زندگی کنند!

مظفر محمدی



روز بروز عظیم تر است و صعود می کند. بورژواهای رنگارنگ معمم و مکلا و قبه دار در رقابت بر سر غصب داراییهای جامعه پاچه همدیگر را میگیرند. فاسد ترین و بی شرف ترین و دزد و جنایتکار دیروز، امروز قاضی القضاات می شود. حجم پول و ثروت و نعمت از سر و کول بورژوازی ایران بالا می رود. حقوق وکلا و وزرا و قضات و سرداران و مدیران و روسا، یک روز تاخیر نمی شود. اما حقوق و دستمزد ناچیز کارگر، معلم و بازنشسته ماه ها به تعویق می افتد و برای گرفتن مزد کاری که کرده اند، باید اعتصاب کنند و زندانی و شکنجه شوند و میلیون ها کارگر بیکار، بدون بیمه بیکاری گرسنگی می کشند!

ما قناعت و ریاضت و بهشت موعود و میهن پرستی را به بورژوازی می بخشیم و این وظایف مقدس را به آنها می سپاریم و در مقابل، آزادی و رفاه و امنیت و خوشبختی برای خود می خریم. طبقه کارگر و زحمتکشان ایران می خواهند مرفه زندگی کنند. مجامع عمومی و شوراهای کارگری و مردمی، می تواند قدرت و ثروتی که بورژوازی با زور و فریب و تحمیق کسب کرده است را باز پس گیرد و نظام بردگی انسان و ستم و تحقیر را واژگون کرده و بر قاعده اش بنشاند.

بر پرچم مبارزه طبقاتی در ایران از دیمه ۹۶ و اعتصابات پرشور کارگران نوشته شده است:

امنیت، رفاه و آزادی همین امروز
خلع ید از اقلیت سرمایه دار و
ستمگر
آزادی، برابری و سوسیالیسم.

رفاه و آزادی بدون اساس
امنیت، بدون زندگی در
شرایطی امن، که در آن
شهروندان در هراس از فقر،
جنگ و تفریب، و بدون هراس
از بدتر شدن اوضاع، به هر
سرنوشتی که سرمایه برای
آنها رقم میزند تسلیم نشوند،
ممکن نیست. بدون اساس
امنیت و برفورداری از امنیتی
ساله و انقلابی، که در دل آن
شهروندان بتوانند رفاه و
آزادی را تجربه کنند، تمقق
مطالبات برحق مردم ممکن
نیست.
(منشور رفاه، آزادی و امنیت)

سرمایه داران اعلام کرده است که دیگر زندگی فقیرانه و گرسنگی و ناامنی و ستم و تبعیض را بر نمی تابد. ابزار سرکوب و زندان در دست دولت و حکام بورژوازی ایران، در مقابل تعرض طبقاتی و توده ی زحمتکشان و محرومان جامعه، سلاح زنگ زده و از سر استیصال بیشتر نیست.

تلاش حاکمیت سرمایه داران در ایران همچنان تلاش همه ی نظام های سرمایه داری در جهان، تحمیل کار ارزان، ریاضت و فقر و قناعت به طبقه کارگر و محرومان جامعه است. در مقابل، تلاش طبقه کارگر و زحمتکشان در ایران و سراسر جهان، مرفه زندگی کردن است.

پاسخ این سوالات و شرایط فلاکتباری که به اکثریت کارگران و زحمتکشان جامعه تحمیل شده در یک کلام این است که کل ثروت و داراییهای جامعه در دست اقلیتی مفتخور است و راه نجات انسان کارگر و زحمتکش و نود درصد محرومان جامعه خلع ید کامل قدرت و ثروت از این اقلیت است.

امروز باید گلوی این مفتخوران و غاصبان و جانبدان و عامل فقر و فلاکت و سفره خالی کارگران و مردم زحمتکش را انقدر فشرده تا سقف زندگی را به درجه ای از رفاه رساند و نهایتا با خلع ید آن ها از ثروت و قدرت، رفاه و امنیت و آزادی کامل را برای جامعه تامین کرد. طبقه کارگر ایران نه تنها رفاه و امنیت امروزش را از دولت سرمایه داران می خواهد، بلکه با بازپس گرفتن تمام قدرت و ثروت، آزادی و برابری کامل را به دست خواهد آورد. نتیجه ی مبارزه برای رفاه امروز می تواند برقراری سوسیالیسم و برابری و خوشبختی کارگر و زن و مرد و کودک جامعه را به ارمغان بیاورد.

شوراهای کارگری و مردمی امروز، ابزار دخالت طبقه کارگر و محرومان جامعه برای هر اندازه رفاه و آزادی و امنیت امروز و پایه های قدرت گیری اکثریت زحمتکشان برای ساختن جامعه ی آزاد و برابر و سوسیالیستی است. مبارزه برای معیشت، همانند مبارزه علیه حجاب اجباری و تبعیض جنسی باید رژیم و نوکرانش را ذله کند. امروز اردوی ارتجاع ضد زن راه فرار را انتخاب کرده است: "بدحجابی را اخطار دهید و فرار کنید!" این کار را گرسنگان هم باید بکنند تا بورژوازی و نوکرانشان هیچ شبی را با خیال راحت به صبح نرسانند.

جامعه ایران می رود تا از شدت فقر و نارضاتی منفجر شود. دولت سرمایه داران باید منتظر باشد تا فردا روز مردم درب انبارهای محترکان و مفسدین را بشکنند. اموال ربهوده شده شان را مصادره کنند. تجمعات خیل عظیم و هر روزه ی بیکاران در مقابل ادارات دولتی و اداره کار باید

اکنون هیات حاکمه ی سرمایه داری ایران در مقابل این سوال قرار گرفته است که یا باید امنیت و رفاه و آزادی جامعه را تامین کند یا برود.

توجیحات و بهانه های سلسله وار رژیم سرمایه داری ایران از قبیل جنگ، تحریم، دزدی، فساد و اختلاس، سرسوزنی مسوولیت دولت در مقابل جامعه را کم نمی کند. امروز طبقه کارگر و محرومان جامعه، آشکار و صریح و قاطع از دولت سرمایه داران می پرسند:

- چرا بر خلاف این توجیحات، بورژوازی در بخشهای مختلف دولتی، خصوصی، نظامی و غیره، در انباشت و جمع آوری سرمایه و کسب سود و رفاه غرق است؟
- ثروتهای نجومی از کجا کسب شده است؟

- چرا و چگونه بورژواها صاحب کاخ های عظیم و ویلانشین و زندگی لاکچری و شهرک سازیها و مراکز سرسام آور تجاری و بازرگانی و حقوق های نجومی مدیران و وکلا و وزرا و قضات و ... هستند؟

- چرا بورژوازی در جنگ و صلح، در تحریم و تورم و رکود و رونق، در دست به دست کردن دارائیهای جامعه و دزدی و فساد و اختلاس، نانی از سفره شان کم نشده و حجم رفاهشان سرسام آور است؟ چرا روز به روز حجم سرمایه و پول و نقدینه و املاک و زندگی فرعونی شان بیشتر و بیشتر می شود؟

- چرا قناعت و وعده بهشت و میهن پرستی شامل خود بورژوازی نمی شود؟

بنا به آمار دولت سرمایه داران، فاصله طبقاتی و شکاف بین فقر و ثروت روز بروز عمیق تر می شود. عمق خط فقر برای نود درصد جمعیت محروم جامعه روز بروز بیشتر و رفاه و آزادی و امنیت شان مدام تهدید شده و سقوط می کند. در عوض حجم دارائیها، میزان فساد و اختلاس و دزدی آشکار و پنهان و زندگی فوق رفاه بورژوازی از حاصل کار طبقه کارگر و زحمتکشانی که جامعه را می چرخانند،

جمهوری اسلامی از آغاز با شعار رفاه و بردن در آمد نفت بر سر سفره های مردم سر کار آمد. این شعار و حقه طبقه ی بورژوا در آغاز به حاکمیت رسیدن است. اما خصلت سرمایه، کار ارزان و تولید سود بیشتر برای سرمایه داران است. و این با رفاه اکثریت زحمتکشان جامعه در تناقض است. جمهوری اسلامی از این قاعده مستثنی نیست. بعلاوه بورژوازی حاکم جدید در ایران مذهب و خرافات را هم به کمک طلبید تا بجای پول نفت بر سر سفره ی مردم، اکثریت جامعه را به نام مستضعف با قناعت و توقع کم از زندگی و سوختن و ساختن به بهشت بفرستد.

امروز کار به جایی رسیده است که دولت سرمایه داران در ایران به کارگران و مردم زحمتکش می گوید: "کم بخورید، روزی یک وعده غذا بخورید و روزی چند ساعت مجانی کار کنید!"

اما نه اسلام و وعده بهشت و نه میهن پرستی، پاسخ خواست مردمی که می خواهند مرفه زندگی کنند را نمی دهد. این کارگر و زحمتکش بیکار و یا با دستمزد بخور و نمیر و زحمتکشان تنگدست نیست که در مقابل خانواده هایشان خجالت می کشد، بلکه دولتمردان فاسد بورژوا هستند که باید خجالت بکشند! این فرهنگ رایج طبقه ای است که مدعی و طلبکارانه، گلوی دشمن زندگی و معیشت و رفاه خانواده اش را می فشارد.

امروز در ایران رفاه و امنیت و آزادی چنان بهم پیوند خورده اند که یکی بدون دیگری ممکن نیست. مردم برای اینکه مرفه زندگی کنند باید امنیت و سلامت و حرمت و آزادی شان تامین باشد. و برای اینکه آزادی و امنیت داشته باشند باید مرفه باشند.

خیزش میلیونی دیمه ۹۶ و متعاقبا اعتصابات کارگری مراکز بزرگ صنعتی، بعنوان صدای رسای طبقه کارگر اعم از شاغل و بیکار و زن و مرد و دیگر زحمتکشان و معلمان و بازنشستگان ایران، زنگ پایان زندگی زیر خط فقر را به صدا در آورده است. صدایی که به دولت

شور رفاه، آزادی و امنیت را به پرچم خود تبدیل کنید

افول پوپولیسم

بود، مواجه هستند. طبق آمار ارائه شده توسط مراکز گوناگون دولتی، سطح رفاه به نسبت قابل توجهی نسبت به میزان تولید ثروت، نزول کرده است. کل امکانات و حداقل های تامین زندگی، امکاناتی مانند تحصیل رایگان، ترانسپورت و بهداشت و غیره، در سراسر اروپا، مورد تعرض قرار گرفته، بمراتب کاهش یافته و یا کاملاً از میان برداشته شده اند.

جنش ساختار شکنی که نشانه اعتراض وسیع جامعه به این اوضاع بوده و هست، همچنان ادامه دارد. اما، در نبود آلترناتیوی کارگری و سوسیالیستی، راست افراطی تلاش میکند مهر خود را به این جنبش بکوبد.

تجربه قدرتگیری راست افراطی، نفرت از فاشیسم، و دفاع از ارزش هایی که بالاخص پس از جنگ جهانی دوم در اروپا در سطح جامعه وجود دارد، عاملی است در مقابل این راست افراطی و مرتبا در مقابل آن سد می بندد. نمونه ای از این جنبش را در رابطه با خواست هایی چون "پناهنده ها خوش آمدند" بود که حتی دول حاکم از آلمان تا اسپانیا را مجبور به عقب نشینی از سیاست های ضد انسانی ها کرد. همین جنبش است که کماکان حضور خود را در عرصه های گوناگون به نمایش می گذارد.

اوضاع بلاتکلیف امروز نمیتواند طولانی مدت ادامه داشته باشد. راست پوپولیست بیربطی خود به اعتراض ساختارشکنانه را بیش از پیش نشان داده و سیر نزولی خود را طی میکند. افول این جنبش، شکست ترامپ و جانسون و ... فقط ابتدای این افول را به نمایش میگذارد. جامعه، طبقه کارگر کماکان به دنبال پاسخی به وضعیت نابسامان، به بحران سیاسی- اقتصادی و سد بستن در مقابل راست افراطی میگردد. امروز نیاز به کمونیسمی رادیکال، کارگری، کمونیسمی که شکست راست پوپولیست را به عروج آلترناتیو کارگری تبدیل کند بیش از هر زمانی است. امروز اهمیت به صحنه آمدن این کمونیسم، با پاسخ های رادیکال خود به توحش سرمایه، دوچندان است.

ساختار شکنی که خود را در برگزیت متبلور کرد، با چالش رابطه تجاری و بانکی و مالی و تصمیم گیری های نظامی میان کشورهای اتحادیه اروپا، مرزهای سنتی میان احزاب، چون حزب کارگر و محافظه کار، را هم شکست و در ادامه خود حتی سیستم دمکراسی پارلمانی، رابطه بین دولت با پارلمان، و غیره را نیز، به هم ریخته و غیر متعادل کرده است.

بر این اساس، برخلاف ادعاهای سران اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی، برگزیت نه مقوله ای بریتانیایی، بلکه نشانی از مشکلاتی است که همه کشورهای اروپایی با آن دست به گریبانند. نتیجه چرخش در انتخابات یونان، نامعلومی دولت در ایتالیا، مواضع متغیر لهستان در رابطه با سیاست عمومی اروپا، گسترش احزاب دست راستی افراطی، و بسیاری نمونه های دیگر در گوشه و کنار اتحادیه اروپا همگی نشان در نابسامانی وضعیت کل اتحادیه اروپای امروز است. مستقل از پاسخ و راه حل کوتاه مدت امروز بورژوازی اروپا و بریتانیا در مورد برگزیت، این پروسه نشانگر بحرانی بسیار نهادینه تر در دنیای سرمایه است.

تا همین جا، امروز می توان به راحتی شکست پوپولیستهای راستی نظیر بوریس جانسون را در ارائه پاسخی به این بحران دید. شکستی که به موازات آن، در آن سوی آتلانتیک، ترامپ در آمریکا نیز با آن مواجه شده است. از طرف دیگر، راه حل ها یا بی جوابی احزاب چپ بورژوازی نظیر، حزب کارگر بریتانیا، تحت رهبری جرمی کوربین، و پوپولیسم چپ، نیز روز بروز در سطح جامعه بی اعتبارتر شده است. انزجار از سیاستمداران "رسمی" که سرلوحه جنبش ساختار شکنانه در همه جا بود، امروز به انزجار و قطع امید از "منتخبان" و "نمایندگان" در قدرت این ساختار شکنی، در همه جا تبدیل شده است.

در این میان، مردم اروپا کماکان با آینده ای ناروشن، با تعرض راست به دستاوردهایی که طبقه کارگر به بورژوازی حاکم تحمیل کرده

نشریه هفتگی

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

فیسبوک حزب

facebook.com/HekmatistX

رادیو نینا

radioneena.com

تلگرام رادیو نینا

@Radionenna

اینستا گرام رادیو نینا

instagram.com/radioneena/

تماس با حزب

دبیرخانه حزب: هساره ابراهیمی

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

سایت آرشیو آثار منصور حکمت

hekmat.public-archive.net

حکمتیست را چاپ و

توزیع کنید

و بدست کارگران کمونیست برسانید

برای آزادی، برابری به حزب حکمتیست پیوندید